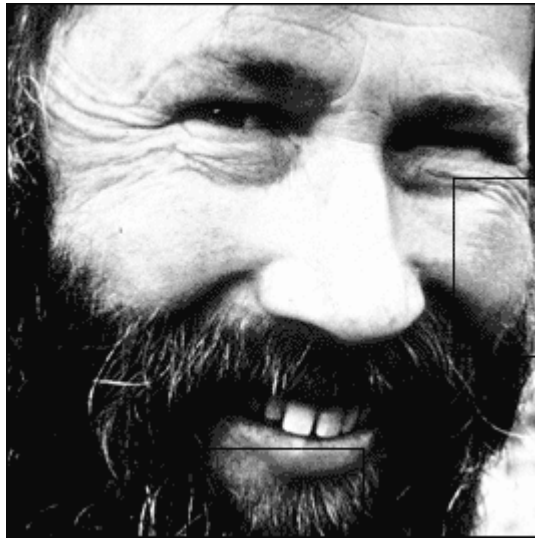


کریس بونینگتون (Chris Bonington)



کریس بونینگتون متولد ۱۹۳۴ در همپستید (Hampstead) ، در کالج دانشگاهی لندن و آکادمی ارتش سلطنتی در سندهارست (Sandhurst) تحصیل کرد. او در ۱۹۵۶ وارد گردان تانک سلطنتی شد. سه سال را در شمال آلمان در فرماندهی سواره نظام تانکی و پس از آن دو سال را در مدرسه برون مرزی به عنوان مربی کوهنوردی گذراند. در همین دوران بود که صعود در کوههای آلپ را شروع کرد، در ۱۹۵۸ اولین صعود انگلیسی برج جنوب غربی دراس (Drus) و سپس در ۱۹۶۱ به همراه دان ویلانز (Don Whillans) ، یان کلاوف (Ian Clough) و پل جان دلاگوز (Pole Jan Dlugosz) اولین صعود برج مرکزی فرنی (Freney) در جبهه جنوبی مون بلان (Mont Blanc) را انجام داد. در آن زمان، این صعود یکی از دشوارترین صعودها در آلپ بوده و حتی اکنون نیز یکی از بزرگترین صعودهای کلاسیک در ناحیه مون بلان محسوب می شود. وی در ۱۹۶۲ اولین صعود انگلیسی دیواره شمالی ایگر (Eiger) را انجام داد.

او با ترک ارتش در ۱۹۶۱ به عنوان کارآموز مدیریت به یونی لور (Unilever) ملحق شد اما پس از نه ماه دریافت که هرگز نمی تواند یک شغل مرفه را با عشق خود به کوهنوردی در هم بیامیزد. بونینگتون با وندی (Wendy) ، یک نقاش کتاب کودکان از فری لنس (Freelance) ، ازدواج کرده و تصمیم به رفتن به فری لنس گرفته و از ۱۹۶۲ به عنوان نویسنده، عکاس و کوهنورد، شغل موفقی را دنبال کرد. آنها دو پسر به نامهای دانیل (Daniel) و روپرت (Rupert) دارند.

بونینگتون در سن شانزده سالگی، کوهنوردی را شروع کرده و هنوز بیست ساله نشده بود که به سطح بالایی از سنگنوردی رسید. در ۱۹۶۰ به هیئت ترکیبی انگلیسی - هندی - نپالی آناپورنا II (۲۶۰۴۱ فوت) دعوت شده و قله را فتح کرد.

صعودهای برجسته دیگر او ادامه یافت تا اینکه در ۱۹۶۶ اولین مأموریت از طرف مجله تلگراف روزانه (Daily Telegraph Magazine) برای پوشش دادن هیئتها به وی داده شد - صعود بلندترین آتشفشان فعال جهان، سانگای (Sangay) در اکوادور؛ شکار گوزن شمالی با اسکیموها در جزیره بافین (Baffin) ؛ داستانی از هونزا (Hunza) . اوج پیشرفت شغلی بونینگتون به عنوان عکاس و خبرنگار ماجراجو در ۱۹۶۸ بود، هنگامی که یک هیئت ارتشی به رهبری کاپیتان جان بلشفوردد-اسنل (John Blashford-Snell) را در تلاش آنان

برای اولین عبور (به سمت پایین دست) از نیل آبی همراهی کرد. تا آن زمان، این مهیج ترین و خطرناک ترین ماجرای بونینگتون بود و در پایان سفر او پی برد که باید به کوهنوردی بازگردد، فعالیتی که به آن عشق می ورزید و کاملاً آن را دریافته بود.

در پاییز ۱۹۶۸ بونینگتون شروع به طرح ریزی هیئتی برای تلاش بر روی جبهه جنوبی آنپورنا نمود. در آن زمان، هیچ دیواره بزرگ هیمالیایی صعود نشده بود و درگیری با این دیواره عظیم ۱۲۰۰۰ فوتی، گامی به سوی ناشناخته ها بود چون صعودی از شیب های سنگی و یخی در ارتفاعات بیش از ۲۴۰۰۰ فوتی بود. موفقیت، پاداش انتخاب دقیق اعضای تیم و طرح ریزی منطقی بود، زمانی که دوگال هاستون (Dougal Haston) و دان ویلانز در ۲۷ ماه می ۱۹۷۰ به قله دست یافتند.

بعد از صعود آنپورنا، "آخرین مسئله بزرگ" - دیواره جنوب غربی اورست - دنباله ای منطقی بود. او در ۱۹۷۲ هیئت انگلیسی را رهبری کرد که این هیئت به وسیله بادهای وحشی و سرمای شدید آن پاییز و زمستان، شکست خورد. در پاییز ۱۹۷۵، زمانی که فرصتی برای تلاش بیشتر به دست آمد، بونینگتون هیئت انگلیسی اورست را به موفقیت رهبری کرد که داگ اسکات (Doug Scott) و دوگال هاستون در ۲۴ سپتامبر به قله رسیدند.

دو سال بعد به همراه داگ اسکات، اولین صعود اوگر (ogre) (۲۳۹۰۰ فوت) در قراقرم هیمالیا را انجام داده و یک فرود حماسی شش روزه را در میان کولاک، با داگ اسکات که کل مسیر را روی زمین می خزید چون پس از ترک قله هر دو پایش شکسته بود، به کمک مو آنتوئین (Mo Anthoine) و کلایو رولند (Clive Rowland) انجام داد. همچنین بونینگتون یک بار سقوط کرده و یک دنده اش شکسته بود، غذای آنها تمام شده بود و وقتی که بسیار خسته و گرسنه به کمپ اصلی رسیدند متوجه شدند که همراهانشان به تصور کم شدن آنها تسلیم شده و کمپ را ترک کرده اند. در ۱۹۷۸ بونینگتون یک تیم کوچک را برای تلاش بر روی یال غربی بسیار دشوار و قبلاً صعود نشده K۲، در ۲۸۷۴۱ فوتی را رهبری کرد. و هنگامی که نیک استکورت (Nick Estcourt) در بهمن عظیمی که درست از مسیر آنان عبور می کرد، فرو رفت، این کار به طرز غم انگیزی پایان یافت. سپس یک استراحت دو ساله صرف تحقیقات و نوشتن کتاب او، در جستجوی ماجرا (QUEST FOR ADVENTURE)، گردید که بلافاصله فروش خوبی کرد و بیش از ده هفته در لیست بهترین فروش های ساندی تایمز (Sunday Times) بود.

پس از آن، همان طوری که انتظار می رفت، او درگیر یک "اولین" دیگر شد. در ۱۹۸۰ هنگامی که چینیه نواحی کوهستانی خود را به روی کوهنوردان خارجی گشودند، او، دکتر مایکل وارد (Dr. Michael Ward) و آلن روز (Alan Rouse) در زمرة اولین اروپائی هایی بودند که از چین دیدن کردند. آنها شناسایی مقدماتی از کوه کنگور (Mount Kongur)، کوه صعود نشده دوردستی در خین جیانگ (Xinjiang)، انجام داده و دوباره در ۱۹۸۱ برای صعود موفق قله ۲۵۳۲۵ فوتی بازگشتند که توسط بونینگتون، پیتر بوردمن (Peter Boardman)، جو تسکر (Joe Tasker) و آلن روز به انجام رسید. که در کتاب او به نام کنگور، قله اغفالگر چین (KONGUR, CHINA'S ELUSIVE SUMMIT) به رشته تحریر درآمده است. در ۱۹۸۲ بونینگتون به همراه پیتر بوردمن،

جو تسکر و دیک رنشاو (Dick Renshaw) بدون اکسیژن بر روی بلندترین یال صعود نشده شمال شرقی اورست تلاشی انجام دادند. رنشاو مجبور به انصراف شد زمانی که دچار سکنه خفیفی گردید (تشخیص چارلز کلارک، پزشک گروه) و بونینگتون نیز چون در ارتفاع بالا، بسیار آهسته تر از بوردمن یا تسکر حرکت می کرد تصمیم گرفت آن دو خودشان به تنهایی بالا بروند. آن دو در چیزی که بونینگتون از آن به عنوان "شادترین هیئت" که هر کدام از ما تا بحال در آن بوده است" توصیف می کند، به طرز غم انگیزی ناپدید شدند.

۱۹۸۳ سال پر از موفقیتی بود، سالی با اولین صعود قله غربی شیلوینگ (Shilving) (۲۱۳۳۰ فوت)، واقع در گان گورتی (Gangorti) هیمالیا در هند، صعود شده به سبک آلپی در پنج روز و سپس با یک هیئت دلفریب به قطب جنوب با یک تیم آمریکائی برای صعود به بلندترین قله آن، وینسون (Vinson) (۱۶۸۰۰ فوت). در دماهای پایین تا 35°C - و با بادهای بیش از ۵۰ مایل در ساعت، سایر اعضای تیم بازگشتند و بونینگتون به تنهایی به قله رسید. سپس، چند روز بعد برای پشتیبانی همراهانش در تلاش موفقشان، به پایین آمد. بنابراین، این نخستین صعود انگلیسی این کوه است.

در ژوئن ۱۹۸۴ بونینگتون به همراه آلن روز و دو کوهنورد پاکستانی بر روی قارون کوه (Karun Koh) ۲۴۶۰۷ فوتی صعود نشده در قراقرم هیمالیا تلاش کردند اما به وسیله آب و هوای بد شکست خوردند.

بونینگتون هنگامی به موفقیت‌های دوران زندگی خود تحقق بخشید که در ۱۹۸۵ به عنوان عضوی از هیئت نیروزی اورست به قله دست یافت.

او در ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ هیئتی را به من لونگتسه (Menlungtse)، ۷۱۵۰ متر، یکی از زیباترین و فنی ترین قله های صعود نشده دشوار جهان، رهبری کرد. در ۱۹۸۸، هیئت اولین صعود قله غربی من لونگتسه را انجام داد. به علاوه آنان در جستجوی یتی افسانه ای بوده و یک تیم فیلمبرداری واحد تاریخ طبیعی BBC که مستندسازی تحقیق را انجام می داد، آنان را همراهی می کرد.

بعد از دو و نیم سال نویسنده‌گی و تهیه یک کتاب تصویری، و یک سریال تلویزیونی و کتابی درباره تاریخ کوهنوردی، وی در هیئتی اعزامی به گرینلند، به رابین ناکس-جانستون (Robin Knox-Johnstone) ملحق شد. آنها با قایق سوهایی (Suhaili)، که ناکس جانستون اولین سفر قایقرانی دور دنیای تک نفره خود را با آن انجام داد، برای تلاش بر روی قله ۲۶۶۰ متری کاتدرال (Cathedral) در رشته کوه لمون برگ (Lemon Bjerge) که تا آن زمان صعود نشده بود، حرکت کردند.

در ۱۹۹۲، او و هاریش کاپادیا (Harish Kapadia) هیئت هندی/ انگلیسی فوق العاده موفق را به هیمالیای کومائون (Kumaon Himalaya) واقع در شمال هند، رهبری کردند. چندین صعود برای اولین بار از جمله صعود یال غربی پانچ چولی (Panch Chuli) II (۶۹۰۴ متر) توسط بونینگتون و گراهام لیتل (Graham Little) انجام گردید.

در جولای ۱۹۹۳ به جیم لوتر (Lowther Jim)، گراهام لیتل و راب فرگوسن (Rob Ferguson) که از سفر رشته کوه لمون برگ در گرینلند بازمی گشتند، پیوست تا این بار به یخچال چیزل (Chisel) رفته و سه صعود برای اولین بار را شامل یک مسیر میکس روی

چیزل و دو مسیر سنگی فنی دشوار در آیوری تاور (Ivory Tower) و نیدل (Needle) انجام دهند.

در آگوست به قفقاز روسیه رفت و کوه البروس (El'brus) (۵۶۴۲ متر) - بلندترین قله اروپا - و یال دشوار شمال شرقی اوشبا (Ushba) را صعود کرد.



در ۱۹۹۴ به مناطق کمتر پرداخته شده شمال هند بازگشته و همراه با هاریش کاپادیا هیئت هندی/انگلیسی دیگری را رهبری کرد. هدف آنان یک قله صعود نشده ۶۵۵۳ متری در دوردستهای تیروننگ گاد (Tirung Gad) در هیمالیای کیناتور (Kinaur Himalaya) بود، ناحیه ای که قبل از آن هیچ کوهنوردی به آن نرفته بود. هیئت مزبور موفق به اولین صعود این قله زیبا و دوردست شد، که آنان با قرار گرفتن هشت نفر از اعضاء بر روی قله، آن را رشته کوه رنجریک (Rangrik Rang) نامیدند.

برای جشن گرفتن دهمین سالگرد سفر موفق هیئت نروژی اورست ۱۹۸۵، تیم دوباره جمع شد تا این بار برای اولین صعود به درانگ ناگ-ری (Drangnag-Ri) تلاش کند، یک قله ۶۸۰۱ متری صعود نشده در هیمالیای رول والینگ (Rolwaling Himal) که تقریباً نزدیک اورست بود.

یک بار دیگر نیز سفر موفقیت آمیز شد چون در سی ام آوریل، رالف هوپباک (Ralph Hoibakk)، بورن مایرر-لاند (Bjorn Myrer-Lund) و شریاها پما دورگ (Pema Dorje) و لاکپا گیالو (Lhakpa Gyalu) پس از یک صعود فنی مشکل و پرتلاش به قله رسیدند.

در ۱۹۹۶ کریس به همراه چارلز کلارک (Charles Clarke) برای یافتن قله ای که در مسیر خود به لهاسا در ۱۹۸۲ نمای ساده ای از آن را دیده بودند، عملیات شناسایی انجام داد. آنها کوهشان را پیدا کردند (سپو کانگری (Sepu Kangri) ۶۹۵۰ متری) و در ۱۹۹۷ اولین تلاش خود را برای صعود به آن انجام دادند. جیم لوتر، جیم فادرینگهام (Jim

(Fotheringham)، جان پورتر (John Porter) و کریس تیم صعود را تشکیل دادند که توسط چارلز کلارک، جیم کوران (Jim Curran) (تصویربرداری) و دانکن اسپری (Duncan Sperry) (پشتیبانی فنی اینترنت و ایمیل) پشتیبانی می شدند. این اولین بار بود که کریس در یک سفر برای ارائه در وب سایت از تکنولوژی ماهواره ای استفاده می کرد. تیم مغلوب هوای وحشتناک شده و در حالی که تا ۶۱۰۰ متری جبهه شمال شرقی سپو کانگری رسیده بود، عقب نشینی کرد.

در پاییز ۱۹۹۸ کریس همراه با ویکتور ساندرز (Victor Saunders)، گراهام لیتل، الیوت رابرتسون (Elliot Robertson) و اسکات مویر (Scott Muir) (تیم صعود)، چارلز کلارک و یک تیم فیلمبرداری از ITN متشکل از جیم کوران، مارتین بلدرسون (Martin Belderson) و گرگ کابیت (Greg Cubitt) دوباره به منطقه بازگشتند. کلارک و رابرتسون یک ماه قبل عازم شده و مسیر جدیدی برای دسترسی به کوه از شرق پیدا کردند ولی جالب اینجاست که بار دیگر مغلوب هوای بد شدند. این بار تیم با دو تلاش از طریق "Cwm" غربی کوه به قله دست یافت. ویکتور ساندرز و اسکات مویر به ارتفاع ۶۸۰۰ متری که خیلی به قله نزدیک بود رسیدند و گراهام لیتل اولین صعود گل فیروزه (Turquoise Flower) (۶۶۵۰ متر)، یک قله دور افتاده سپوکانگری را انجام داد.

در بهار ۲۰۰۰ کریس مسافرتی خانوادگی به منطقه کانچن جونگا در نیپال داشت و اولین صعود دانگا II (Danga II) را انجام داده و سپس در تابستان همان سال در جنوب گرینلند صعودهای متعددی را برای اولین بار انجام داد.

در ۲۰۰۱ جزو گروه رهبری یک هیئت هندی، آمریکائی، انگلیسی را به رشته کوه آرگانگلاس (Arganglas) در لاداخ (Ladakh) شمال غرب هند انجام داد. وی همچنین اولین سفر خود را به منطقه تفراتوت (Tafraute) مراکش برای پیوستن به گروهی از چهره های افسانه ای سنگنوردی شامل جو براون (Joe Brown)، لس براون (Les Brown)، درک واکر (Derek Walker) و سایرین که در دوره ای بیش از دوازده سال مسیرهای جدید باز می کردند. به او خیلی خوش گذشت و پس از آن هر سال برای دیدن هموردانش می رفت.

پیشرفت جدید دیگری در ۲۰۰۳- در سفری لذت بخش و صعود در کولو (Kullu)، سال بعد در لاهول (Lahoul) و در ۲۰۰۵ در کومائون (Kumaon) به هاریش کاپادیا و یک گروه هندی و دوستان انگلیسی ملحق شد. همچنین وی با گروهی از مدیران پنت لند (Pentland) (برگائوس (Berghaus)) مالک پنت لند که کریس رئیس هیئت مدیره آن است) برای دومین بار به کلیمانجارو صعود کرد. و تلاشی برای قایقرانی دوباره تا کانگلوگ سواک (Kangelugsuaq) برای صعود به کاتدرال انجام داد.

ترجمه فهیمه ریاضی